

گروه سیاسی: سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روزگار آرمی برای ایران نبود. هنوز طینت شعارهای آزادی و استقلال در کوچه‌ها و خیابان‌ها جاری بود که ناگهان صدای گلوله و خبر تروورها با سکوت شهر را شکافت و فضای کشور را در هراس فرو برد. انقلاب هنوز نخستین نفس‌های خود را می‌کشید که آتش کینه و توطئه در اطراف آن شعله‌ور شد و روزگاری پراشوب آغاز گشت؛ روزگاری که ایران بارها هدف حملات کور عملیات تروریستی و نقشه‌های دشمنان قرار گرفت.

در این میان گروهی با نام «فرقان» در همان ماه‌های نخست با رویکردی متفاوت اما با همان هدف براندازی دست به اقداماتی خونین زد. سازمان‌دهی این گروه بر محور اکبر گودرزی بود و آنان به زعم خود تفسیری تازه از این جریان می‌دادند اما در عمل جز خشونت، کفر و نفرت چیزی به نام نمی‌آوردند. بر اصل دقتی آنان

تروور شخصیت‌های کلیدی و چهره‌های شاخص انقلاب اسلامی بود.

فروردین ۱۳۵۸، فرقان تصمیم گرفت با ایجاد رعب و وحشت در جامعه، پشتوانه‌های فکری انقلاب را در هم بشکند. نخستین قربانی آنان امیر سپهبد شهید هراس فرو بر، درگذشت. فرنی، رئیس ستاد مشترک ارتش بود. او که فردای پیروزی انقلاب با حکم حضرت امام خمینی(ره) به ریاست ستاد کل ارتش منصوب شده بود نقشی کلیدی در تثبیت موقعیت ارتش ایفا کرد. فرنی با شهادت ایستاد و در برابر طرح‌هایی که با هدایت آمریکا برای فروپاشی ارتش طراحی شده بود مقاومت کرد و همین ایستادگی، او را به خار چشم دشمنان تبدیل کرد.

روز دوشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۵۸، هنگامی که فرنی در خاله‌اش در خیابان ولیعصر تهران اقامت داشت، روزیست‌ها با نقشه‌ای حساب‌شده به او نزدیک

شدند. آنان چند روز پیش از حادثه، اتاقی در هتل چم، درست مقابل منزل قرنی، اجاره کرده و رفت‌وآمدهایش را زیر نظر گرفته بودند. سرانجام زمانی که او در حیاط خانه بود رنگ در به صدا درآمد. هنگامی که بمباران قرنی را در گوشه گلوله‌های کینه سینما‌ها شکافت. او از ناحیه‌ش و سینه‌اش زخم برداشته و به بیمارستان مهر انتقال یافت. تیمی از پزشکان ارتش نیز به یاری‌اش شتافتند اما معالجات سودی نبخشید و نخستین رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید. گروه فرقان بی‌پروا مسئولیت این جنایت را در اعلامیه‌های هر عهده گرفت. بعدها مشخص شد طرح اولیه ترور توسط اکبر گودرزی و محمد متحدی، رئیس شاخه نظامی گروه ریخته شده و اضایی چون محسن سپاهپوش، مهدی امامحسینی و حسین قلعه‌شی در این جنایت نقش داشتند چند روز بیشتر نگذشت که در تبر کینه‌تقش به سوی یکی دیگر از ستون‌های فکری

انقلاب نشانه رفت. شامگاه یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، متفکر برجسته و یار دیرین امام خمینی(ره) پس از خروج از خانه دکتر یدالله سجلی هدف گلوله قرار گرفت. ضارب مدععی بصیری، عضو گروه‌گف فریق بود کسی که از فاصله‌ای نزدیک با سلاح راکو در مغز متفکر انقلاب را به خون کشید. آیت‌الله مطهری همان لحظه به شهادت رسید و ایران در اندوهی بزرگ فرو رفت. اعلامیه ترور با همان کاغذهایی منتشر شد که ضارب در محل کارش، یعنی شرکت زیراکس به دست آورده بود. عجیب آنکه فرقانی‌ها پس از این ترور بی‌درنگ با روزنامه‌های مهم کشور تماس گرفتند و با وقاحتی بی‌سابقه خبر دادند: «ما رئیس شورای انقلاب را کشتیم».

هنوز یک ماه از این واقعه نگذشته بود که بار دیگر تروری نافر چرام رخ داد. ۴ خرداد ۱۳۵۸، آیت‌الله رفسنجانی از سفرهای کلیدی انقلاب هدف سوءصد

قرار گرفت اما به طرز معجزه‌آسا جان سالم به در برد. روزهای خونین همچنان ادامه یافت. هفدهم تیرماه همان سال تقی حاج‌طری، بنیان‌گذار مسجد قیاز، مبارزان نامدار دوران پهلوی در مقابل منزلش، خیابان شریعتی، کوی معقول به ضرب گلوله قربانیان ترور شد. هاشم صباغیان، وزیر وقت کشور خبر شهادت او را اعلام کرد و گفت ضاربان اعلامیه‌هایی از گروه فرقان در محل بر جا گذاشته بودند.

تنها چند روز بعد، در ۲۵ تیر، آیت‌الله سیدرضی شیرازی، رئیس کمیته منطقه ۳ تهران نیز هدف سوء قصد قرار گرفت. او پس از اقامه نماز جماعت در مسجد شفا در مسیر خاله‌اش بود که ۲ مرد ناشناس بر او آتش گشودند. گلوله‌ها ۳ نقطه از بدنش را شکافتند و اما تقدیر آن بود که این بار دشمن به هدف نرسد و آیت‌الله شیرازی از مرگ بدر.

ادامه در صفحه ۸